



بت پرستی

کلیدواژه: بت پرستی.

پرسش: بت پرستی چه زمانی و توسط چه کسی در مکه آغاز گردید؟
پاسخ: بعد از آن که قبیله خزاعه **تولیت** خانه خدا را به عهده گرفت، اولین کس از آنها که تولیت خانه را داشت، عمرو بن لحي بود. نام لحي، حارثه بن عامر بود. عمرو، دین ابراهیم را تغییر داد و دگرگون کرد و مردم را به پرستش مجسمه‌ها برانگیخت. طبق خبری، وی به شام رفت و گروهی را دید که پرستش بتان می‌کردند و بتی به او دادند که روی **کعبه** نصب کرد. او بتان بسیار در اطراف کعبه نصب کرد و بت پرستی در **عرب** رواج گرفت و **دین حنیف** (جز به ندرت) منسوخ شد.

فهرست مندرجات

- ۱ - پیشینه بت پرستی
- ۱.۱ - سخنی در طبقات ناصری
- ۲ - آغاز بت پرستی در مکه
- ۲.۱ - آوردن بت هبل به مکه
- ۲.۲ - حدیثی از پیامبر
- ۲.۳ - دیدگاه برخی مورخان
- ۲.۴ - روایتی از مسعودی
- ۲.۵ - سخنی از شحنة بن خلف
- ۲.۶ - طول عمر عمرو بن لحي
- ۳ - پانویس
- ۴ - منبع

پیشینه بت پرستی

نمرود بن کنعان بن کوش از پادشاهان بت پرست که در **عبادت** بت، کسی ستم‌کاره‌تر و سخت‌تر از او نبوده است و اول بت پرستی است از روزگار طهمورث، چون کسی می‌مرد، شکل او را از چوب می‌تراشید و آن را پرستش می‌کردند.^[۱]

← سخنی در طبقات ناصری

در **طبقات ناصری** آمده است: نمرود بن کنعان بن کوش بن حام بن نوح، اول کسی است که بعد از **طوفان** (نوح) جباری کرد و تاج بر سرش نهاد، او بود که زمین بابل را به تصرف درآورد، عرب و **عجم** بگرفت و بت خانه بنا کرد، **بت پرستی** می‌کرد، بت زرین و سیمین بساخت، همه را به جواهر مرصع کرد، آذر بتگر را بر خزانها و بتان و جهاز ایشان امین گردانید و **علوم** نجوم را متابعت نمود، و ظن قوی آنست، که آن بتان بر صورت و رسم کواکب ساخته بودند، و ایشان را می‌پرستید.^[۲]

آغاز بت پرستی در مکه

← آوردن بت هبل به مکه

آغاز بت پرستی، همان است که عمرو بن لحي بت هبل را از شام به مکه آورد و مردم مکه را به بت پرستی وادار کرد. (قبیله) جرهم در حرم (مکه) سر به سرکشی برداشت و این امر مصادف با پراکنده شدن سبا و فرود آمدن بنی‌حارثه بن ثعلبه بن عمرو بن عامر در سرزمین مکه بود. آنان می‌خواستند با جرهم در یک جای **زندگی** کنند، ولی جرهم مانع شد و میانشان نبرد درگرفت و بنی‌حارثه چنان‌که می‌گویند: خزاعه بودند بر آنان غلبه یافتند و خانه را در تصرف آوردند؛ و رئیسشان در این ایام عمرو بن لحي بود او بقایای جرهم را از آنجا براند؛ و ابن لحي، ربیعه بن حارثه بن ثعلبه بن عمرو مزینیا بن عامر بود.

← حدیثی از پیامبر

در **حدیث** آمده است که پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - فرمود: "رایت عمرو بن لحي یجر قصبه (یعنی أحمشاء) فی النار؛" زیرا او بود که بحیره و سائبه و حامی^[۳] را **بدعت** نهاد و **دین اسماعیل** را دگرگون کرد و بت پرستی را رواج داد.^[۴]

← دیدگاه برخی مورخان

برخی مورخان نقل کرده‌اند: زمانی عمرو بن لحي برای انجام کاری از مکه به شام رفت و چون به سرزمین بلقاء و شهر «مآب» رسید، مردم آنجا را که از **عمالق** و اولاد **عملاق** - یا **عملیق** - بن لاوذ بن سام بن نوح بودند دید که بت‌هایی را می‌پرستند، پرسید: اینها چیست که شما آنها را می‌پرستید؟ گفتند: این‌ها بت‌هایی است که ما هرگاه باران بخواهیم از آنها در خواست می‌کنیم و این‌ها برای ما باران می‌فرستند، و هر گاه کمک بخواهیم آنها را بمدد می‌طلبیم و یاریمان می‌کنند! عمرو بن لحي گفت: اگر ممکن است یکی از آنها را به من بدهید تا به سرزمین عرب ببرم و آنان نیز مانند شما آن را پرستش کنند. عمالقه بت هبل را به او دادند، و عمرو آن را به مکه آورده مردم را بپرستش و تعظیم آن وادار کرد.^[۵]

← روایتی از مسعودی

مسعودی چنین نقل می‌کند: و چون عمرو بن عامر و فرزندانش از مارب بیرون شدند، بنی‌ربیعه جدا شدند و در تهامه فرود آمدند، آنها را به جهت جدا شدنشان خزاعه گفتند که خزع جدا شدن است... و خزاعه تولیت خانه را به عهده گرفت و اولین کس از آنها که تولیت خانه داشت، عمرو بن لحي بود و نام لحي حارثه بن عامر بود. عمرو، دین **ابراهیم** را تغییر داد و دگرگون کرد و مردم را به پرستش مجسمه‌ها برانگیخت. طبق خبری، وی به شام رفت و گروهی را دید که

پرستش بتان می‌کردند و بتی به او دادند که روی **کعبه** نصب کرد. قوم خزاعه نیرو گرفت و **ظلم** عمرو بن لحنی به همه مردم رسید و یکی از جرهمیان که پیرو **دین حنیف** بوده، در این باب به عمرو گفت: "ای عمرو در مکه **سنت** مکن که این‌جا شهر حرام است بپرس که عادیان چه شدند و بنی‌عمالیق که در آنجا **شتر** داشتند. کجا رفتند؟ مردم بدین‌سان نابود می‌شوند". عمرو بن لحنی بتان بسیار در اطراف کعبه نصب کرد و بت‌پرستی در عرب رواج گرفت و دین حنیف (جز به‌ندرت) منسوخ شد.


← سخنی از شحنة بن خلف

شحنة بن خلف جرهمی در این باب گفت: "ای عمرو در مکه و اطراف خانه، خدایان متعدد نهاده‌ای، اینجا همیشه خدای یگانه داشته؛ ولی تو برای خانه میان مردم خدایان بسیار قرار داده‌ای، باید بدانی که **خداوند** در آینده برای خانه پرده‌دارانی جز شما بر می‌گزیند."


← طول عمر عمرو بن لحنی

گفته شده است: عمرو بن لحنی سیصد و چهل و پنج سال عمر کرد. تولیت خانه با (قبیله) خزاعه بود. [۶]

پانویس

- ↑ مجمل التواریخ و القصص، ص ۱۸۹ و ۱۹۰، (نوشته در ۵۲۰)، تحقیق، ملک الشعراء بهار، تهران، کلاله خاور.
- ↑ طبقات ناصری تاریخ ایران و اسلام، منهاج سراج (م بعد ۶۵۸)، ج ۱، ص ۱۲۸، تحقیق: حبیبی، عبدالحی، تهران، دنیای کتاب، ج ۱، ۱۳۴۳ ش.
- ↑ مائده (۵)، آیه ۱۰۳؛ خداوند هیچ‌گونه "بحیره" و "سانیه" و "وصیله" و "حام" قرار نداده است (اشاره به چهار نوع از حیوانات اهلی است که در زمان جاهلیت، استفاده از آنها را به عللی حرام می‌دانستند؛ و این بدعت، در اسلام ممنوع شد.) ولی کسانی که کافر شدند، بر خدا دروغ می‌بندند؛ و بیشتر آنها نمی‌فهمند! 
- ↑ العبر تاریخ ابن خلدون، ترجمه، آیتی، عبدالمحمد، ج ۱، ص ۲۷۹، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ج اول، ۱۳۴۳ ش، ترجمه، متن.
- ↑ ابن هشام (م ۲۱۸)، زندگانی مجد (ص) پیامبر اسلام، ترجمه، رسولی، ج ۱، ص ۵۲، سید هاشم، تهران، انتشارات کتابچی، ج پنجم، ۱۳۷۵ ش، ترجمه.
- ↑ مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین (م ۳۴۶)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، ص ۴۱۸ و ۴۱۹، ترجمه، پاینده، ابوالقاسم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۵، ۱۳۷۴ ش.

منبع

پایگاه اسلام کوئست. 

رده‌های این صفحه: **تاریخ اسلام** | **عصر جاهلیت**